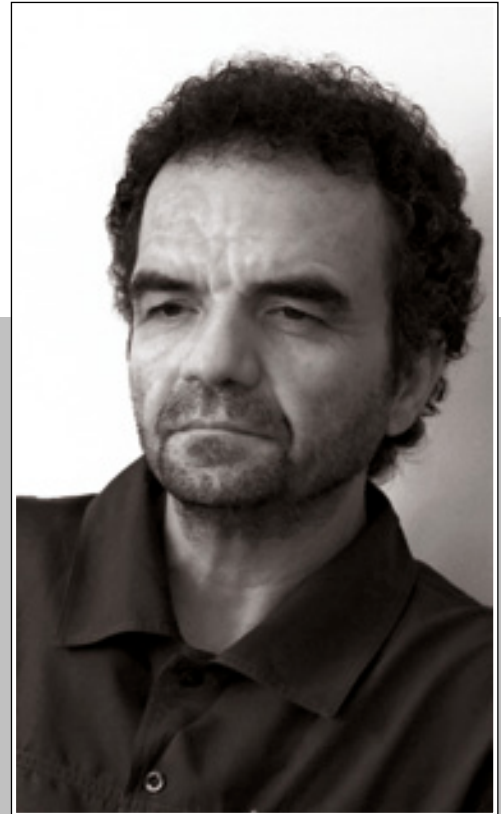


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان کتاب در این صفحه می آید

شناسنامه کتاب در این صفحه می آید



- ▶ کاظم چلیپا / متولد ۱۳۳۶ - تهران
- ▶ دکتری پژوهش هنر، دانشگاه شاهد، ایران
- ▶ فوق لیسانس نقاشی، دانشگاه تربیت مدرس، ایران
- ▶ لیسانس نقاشی، دانشگاه تهران، ایران
- ▶ مدرس دانشگاه هنرهای زیبای دانشگاه تهران
- ▶ مدرس دانشگاه هنر شاهد
- ▶ مدرس دانشگاه سوره
- ▶ مدیر گروه نقاشی مرکز هنرهای تجسمی / از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۲
- ▶ عضویت شورای نشر آثار امام (ره) سالگرد صدمین سال تولد امام خمینی (ره)
- ▶ عضو افتخاری انجمن نقاشان آذربایجان (باکو)

- شرکت در نمایشگاههای خارجی: لندن، بیرمنگهام، هلند، سوریه، لبنان، آلمان، چین، باکو، اتحادیه نقاشان سالن بلبلیف اف ۱۳۷۴، تورنتو
- شرکت در نمایشگاههای داخلی: پیروزی انقلاب اسلامی - رشت (۱۳۵۷-۱۳۵۸) پیروزی انقلاب اسلامی - تهران (۱۳۵۷-۱۳۵۸)، پیروزی انقلاب اسلامی - حوزه هنری (۱۳۵۹)، پیروزی انقلاب اسلامی - مجلس شورای اسلامی (۱۳۵۹-۱۳۶۰)، دفاع مقدس - موزه هنرهای معاصر (۱۳۶۰)، دفاع مقدس - موزه هنرهای معاصر (۱۳۶۱)، سالگرد دفاع مقدس - موزه شهدا (۱۳۶۲)، سالگرد دفاع مقدس - موزه هنرهای معاصر (۱۳۶۳)، سالگرد دفاع مقدس - حوزه هنری (۱۳۶۴)، زن در دفاع مقدس - موزه هنرهای معاصر (۱۳۶۵)، سالگرد دفاع مقدس - تالار وحدت (۱۳۶۶)، بینال دوسالانه تهران - موزه هنرهای معاصر (۱۳۶۷)، پرتو در آثار نقاشان - موزه هنرهای معاصر (۱۳۶۹)، دوسالانه نقاشی ایران (۱۳۷۰)، نمایشگاه ژاپن / هنرهای ظریفه (۱۳۷۱)، بینال دوسالانه (فلسطین) - موزه هنرهای معاصر (۱۳۷۲)، پاکستان (۱۳۷۳)، نمایشگاه طراحی هلند (۱۳۷۳)، سوریه (۱۳۷۴)، باکو اتحادیه نقاشان سالن بلبلیف اف (۱۳۷۴)، نمایشگاه امام و عاشورا - سالن حج و زیارت (۱۳۷۴)، نمایشگاه عاشورا - خانه سوره (۱۳۷۵)، نمایشگاه هنر ایران - لندن (۱۳۷۷-۱۳۷۸)، نمایشگاه هنر ایران - سوئیس (۱۳۷۷-۱۳۷۸)، موزه هنرهای معاصر (۱۳۷۲-۱۳۷۴-۱۳۷۶).

زمینه‌های تخصصی هنر:

- نقاشی (نقاش و طراح)
- نفر اول نمایشگاه بین‌المللی هنرهای ظریفه ژاپن / سال ۱۳۷۱
- لوح زرین و دستخط امام (ره) بمناسبت تقدیر از هنرمندان دفاع مقدس
- برنده قلم‌موی زرین / جایزه ویژه
- دیپلم افتخار

هر اثر هنری، ناشی از دید هنرمند از حقیقت است. هنری حقیقی که روح را زنده و بارور نگه می‌دارد و نشان از شکفتگی درون و تجلیات روح است هرگز نمی‌تواند متجلی شود، مگر آنکه در قلمروهای معنوی متأثر باشد. اثر هنرمندی که به حقیقت به معنی دینی لفظ می‌اندیشد، تجلی قدسی جهانی است که نه در عینیت اشیا، بلکه در کشف و شهود، چهره می‌گشاید.

در روزگار پریشانی انسان و در عصر غربت حقیقت و در جهان بشریت از هم گسیخته کنونی، اگر چشمی بی‌غرض به خون بر شمشیر و کویر و صبح نقره‌ای کاظم چلیپا (سه تابلو، به عنوان نمونه) بنگرد، بی‌شک صفای روح و ارتباط جادویی و باطنی نقاش با اشیاء و امور را خواهد دید.

«اسکین» گفته است: ملل بزرگ شرح حال خویش را در سه کتاب می‌نویسند: کتاب اعمال، کتاب کلمات و کتاب هنر خویش هیچ یک از این سه کتاب را نمی‌توان بدون خواندن دو کتاب دیگر دریافت. اما از آن سه، فقط آخرین آنها شایسته اعتماد است.

بی‌شک اگر کسی بخواهد روح ملت بزرگ را دهه‌ای طوفانی دریابد، می‌بایست به آثار هنرمندان آن دوره نظر کند. نقاشی‌های کاظم چلیپا نیز، یکی از آینه‌هایی است که اگر نگوییم همه، لافل بخشی از تاریخ و سرنوشت یک قوم و یک ملت بزرگ در روزگار معاصر در آنها متجلی شده است. او از نقاشان بزرگ و نام‌آور عصر پرکشاکش معاصر است. چلیپا نه مقهور ظواهر رنگارنگ هنر مدرن و هیاهوی شیفتگان سینه‌چاک آن شده و نه هنر خویش را به هنری «موزه‌ای» و طاقچه‌نشین تبدیل کرده است. نقاشی‌های او، جوشش باورها، اعتقادات، خشم و عطوفت مردمی است که چلیپا با وفاداری به سنت‌هایشان، به تصویر کردن آنها پرداخته است.

هنر باید مرتبط با تفکر، آمیخته با حقیقت و ملتزم به مبدا و مقصد عالم و آدم باشد. هنر در هر صورت متعهد است. آزادی از تعهد چنانچه بسیاری می‌پندارند، توهمی بیش نیست. اگر هنر در ظاهر امر از تعهد و تعلق نسبت به حق رها شود، لاجرم با بشر و بشریت عهد می‌بندد. هنر، اگر آیین حق و حقانیت نباشد، آینه نفس و نفسانیت است. چنانچه در زمین اومانیسیم، هر هنری که می‌روید به اصل خودپرستی ختم می‌شود و زمین و آسمان هنرمند بریده از حق، منتهی به توهم و تخیلی است که به این اصل برمی‌گردد.

بر این اساس، بسیاری از آثار هنرمندانی که متعهد به انقلابی دینی بوده‌اند و وفادار به عهد و امانت، همچون کاظم چلیپا، عین تعهد است به پیمان و عهد و میثاق ازلی، که وجود عالم و آدم فطرتاً به آن شهادت می‌دهد. نقاشی‌های چلیپا، آثار تحولی قلبی و تجربه حضوری او از حقیقت‌اند.

معمولاً هنرمندان تارسیدن به منزلی که در آن قرار یابند، راه بسیاری را طی می‌کنند. با تأسی از هنرمندانی که رویاهای خود را در آثار آنها متحقق می‌بینند، آغاز می‌کنند به تجربه‌های مختلف دست می‌زنند از روی دست دیگران مشق می‌کنند، تا آنکه اندک راه خود را می‌یابند. گاه این راه دیر یافت می‌شود و گاه هیچ وقت چهره نمی‌کند و چه بسیارند مقلدانی که در حسرت یافتن راهی نو چشم از جهان فرو می‌بندند. کاظم چلیپا اما راه خود را زود یافت و در همان راهی که در ابتدای جوانی برگزید تا به امروز استوار و قاطع قدم زد. بی‌هیچ تردیدی و یا حتی وسوسه تجربه‌ای نو، گویی به راهی که برگزیده است ایمان کامل دارد و هیچ وظیفه دیگری برای خود جز ادامه دادن این راه نمی‌شناسد.

عشق به آسمانیان را از پدر به ارث برد. پدری که در هیاهوی مدرنیسم مونتاز شده وطنی و طوفانی که از غرب وزیدن گرفته بود، برای دل سودایی خود خلوتی فراهم آورد و با توسل به نام و یاد خداوندگاران عشق و حقیقت باورهای ازلی عاشقان این سرزمین جادویی را به تصویر کشید. انقلاب و جنگ رستاخیز باورهای پدر بودند. پسر، همه آنچه را که پدر بر روی پرده قهوه‌خانه به تصویر می‌کشید با چشم‌هایش دید: شکوه و جلالتی که پیش از این در سیمای مردان آسمانی پرده قهوه‌خانه بود، در چهره‌هایی متبلور شد که با بقینی برنده‌تر از پولاد به استقبال مرگ می‌رفتند و دنات و وقاحتی که در سیمای سپاه اشقیا بود در جنگ‌افروزی دشمنی تا دندان مسلح جلوه کرد. گویی پرده‌های قهوه‌خانه بار دیگر جانی می‌گرفتند، امتزاج اسطوره و واقعیت نوبت پسر فرا رسید تا خلف بودن خود را به اثبات برساند. اما به حکم «فرزند زمان خویش باش» این بار سپاه اشقیاء در هیئت «موش‌های سکه‌خوار» ظاهر شدند و ابرار، همانانی که در «روز بزرگ» مراد خویش را تنها نگذاشتند.

لطافت و صلابت ظاهراً دو مقوله متضادند. در هنگامه خشم و هیاهوی انقلابی ظرایف و زیبایی‌های زندگی مستور می‌شوند. به ویژه آن‌که تعلق خاطر به انقلاب دارند، کمتر فرصت دیدن ظرایف و زیبایی‌ها را پیدا می‌کنند. اما آنکه در عین انقلابی بودن دل در گرو عشق آسمانیان دارد و از زبان یکی از شاهدان واقعه تألم برانگیز کربلا که در حضورش برادران و برادرزادگان و عموهایش را قطعه‌قطعه کرده‌اند شنیده است: «ما رأینا لآ جمیلاً»؛ نمی‌تواند از «زیبایی» چشم‌پوشد پرستنده آفریننده جمیل، جز زیبایی چیز دیگری نمی‌تواند دید. «کوپر» و «مقاومت» گواهی است بر صفای باطنی نقاش که در دل آتش و خون از لطافت و زیبایی غافل نمانده است.

نقاش انقلابی برخاسته از متن مردم است و می‌داند انقلاب نه با شعارهای پوچ به دست آمده است و نه با عافیت طلبی و برج عاج‌نشینی. این مردم فرودست بودند که در سودای تحقق عدالت تاریخ دیگری را رقم زدند و برای حفظ و پاسداشت آنچه به دست آورده بودند هشت سال به جنگی نابرابر تن دادند. هنرمند انقلابی هرگاه به جنگ مقاومت و انقلاب اشاره کرده، از نقش فرودستان و کوخ‌نشینان (که قرار بود یک سر موی آنها به زندگی کاخ‌نشینان بیارزد) غافل نمانده است. در پس‌زمینه اغلب کارهایی که به نوعی به جنگ و یا انقلاب مربوط می‌شود، خانه‌های کوتاه و گلین و یا چهره مردی کشاورز و زنی روستایی، دیده می‌شود تا به تاریخ شهادت دهند که قدرتمندان و کاخ‌نشینان، نان از دسترنج که خورده‌اند و با استخوان‌های چه کسانی، خشت‌خشت خانه‌هایشان را بنا نهاده‌اند.

جنگ در نگاه اهل ظاهر آغاز و پایانی تقویمی دارد. اما آنکه همه عالم را نطع جدال خیر و شر می‌داند نه آغازی برای جنگ قائل است و نه پایانی برای آن تا مادامی که مهر و ماه می‌درخشند و زمین می‌گردد و آدمی به زاد و ولد می‌پردازد، جنگ نیز هست
ره نه این است، ره آغشته ما افتاده است

از ازل تا به ابد کشته ما افتاده است

آنچه در صحرای کربلا اتفاق افتاد، تنها یک واقعه تاریخی داستانی نیست که بدیلی است از همه عالم و از همین روست که فرمود «کل یوم عاشورا و کل عرض کربلا» «امام و عاشورا»، «حر»، «ذوالجناح» و... محصول چنین نگاهی است. اگرچه پیش از جنگ هشت ساله ایران و عراق همه علائم راهنمایی و رانندگی رسمی و غیر رسمی ساکنان ام‌القرای را به مقصد دیگری دعوت می‌کردند. اما نقاش عاشق را با یار عهد و پیمان دیگری بود:

رشته‌ای بر گردنم افکنده دوست

می‌برد هر جا که خاطر خواه اوست

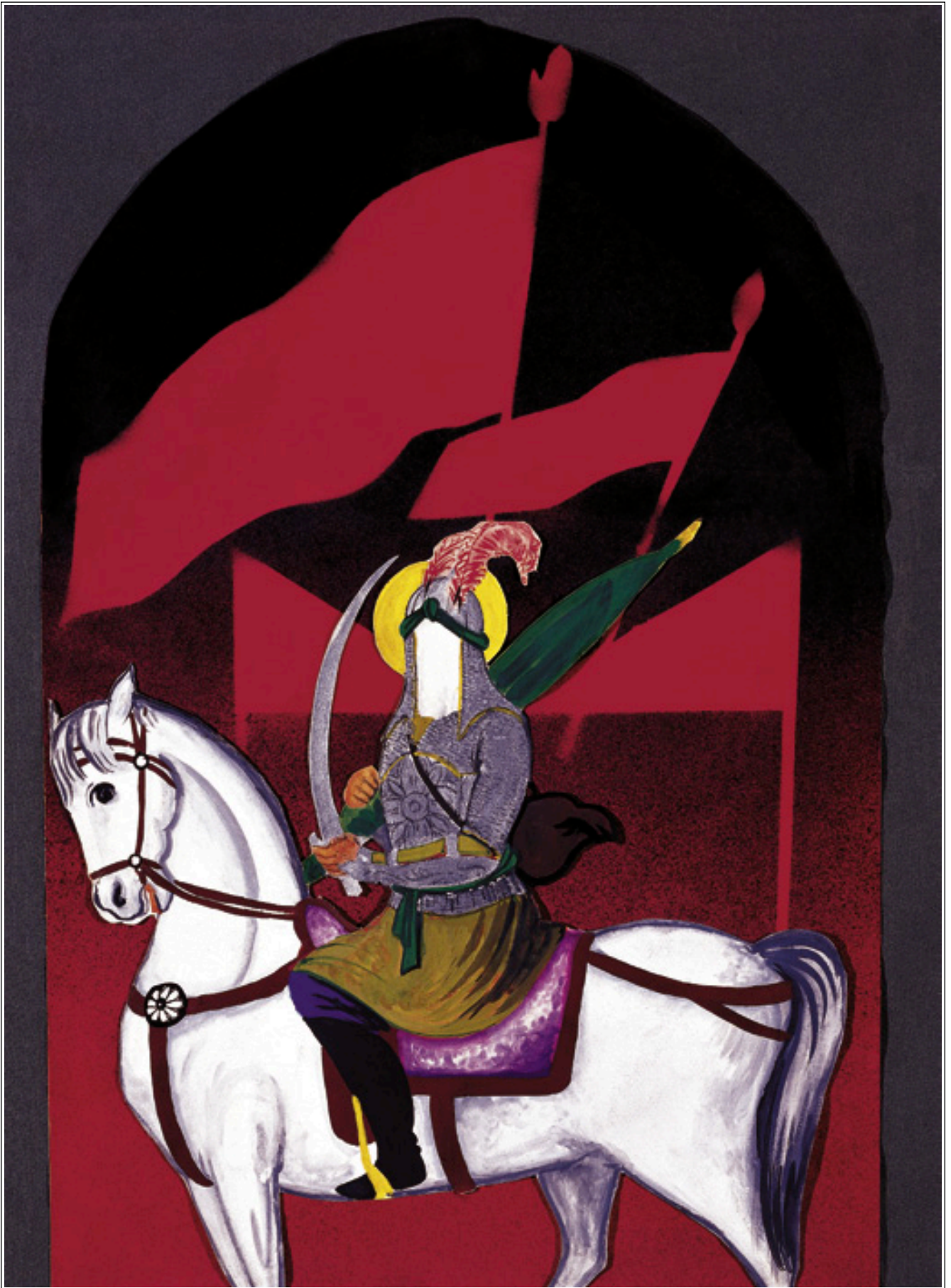
غالب آن‌انکه به جدال خیر و شر معتقدند و عالم را صحنه نزاع پاکی و پلیدی، نور و ظلمت، سپیدی و سیاهی، اهریمن و فرشته و هکذا می‌دانند به قسری گرای و تحجر در می‌غلطند. خود را عین نیکی و طهارت فرض می‌کنند و دیگران را زشتی و نجاست، اما سخن هنرمند از جنس دیگری است. از منظر او هر آنکه از قبیله عشق است در سپاه ابرار جای دارد. که مذهب عاشق ز مذهب‌ها جداست. تابلوی «انتظار سبز» آنقدر به وضوح به این موضوع پرداخته است که گمان می‌کنیم نقاش در درک صحیح ماجرا به مخاطب اصرار داشته است. که نزاع بر سر عنب و ازم و انگور نیست. هر آنکه بهره‌ای از پرستش دارد در انتظار موعود همه امم به سر می‌برد. و هر آنکه می‌پرستد آن حقیقت ازلی و ابدی را که در حق خویش فرمود: «انا الذی بکل شیء علیم» می‌پرستد. چه بداند و چه نداند:

ز فرق و امتیاز کعبه و دیرم چه می‌پرسی

اسب عشق بودم هر چه پیش آمد پرستیدم

تأمل در تابلوهای چلیپا همانند مطالعه آثار و احوال سالکان راه حق و حقیقت است. او اگرچه راه خود را بسیار زود یافت اما هیچ‌گاه به همان اندک راضی نشد. مفاهیمی که در آغاز بسیار ساده و ابتدایی بر روی بوم نقش می‌بستند روز به روز عمق بیشتری یافتند. گویی در گذر زمان تابلوها نیز همانند درون کاظم چلیپا، صیقل خورده‌اند و صفا و لطف بیشتری یافته‌اند.

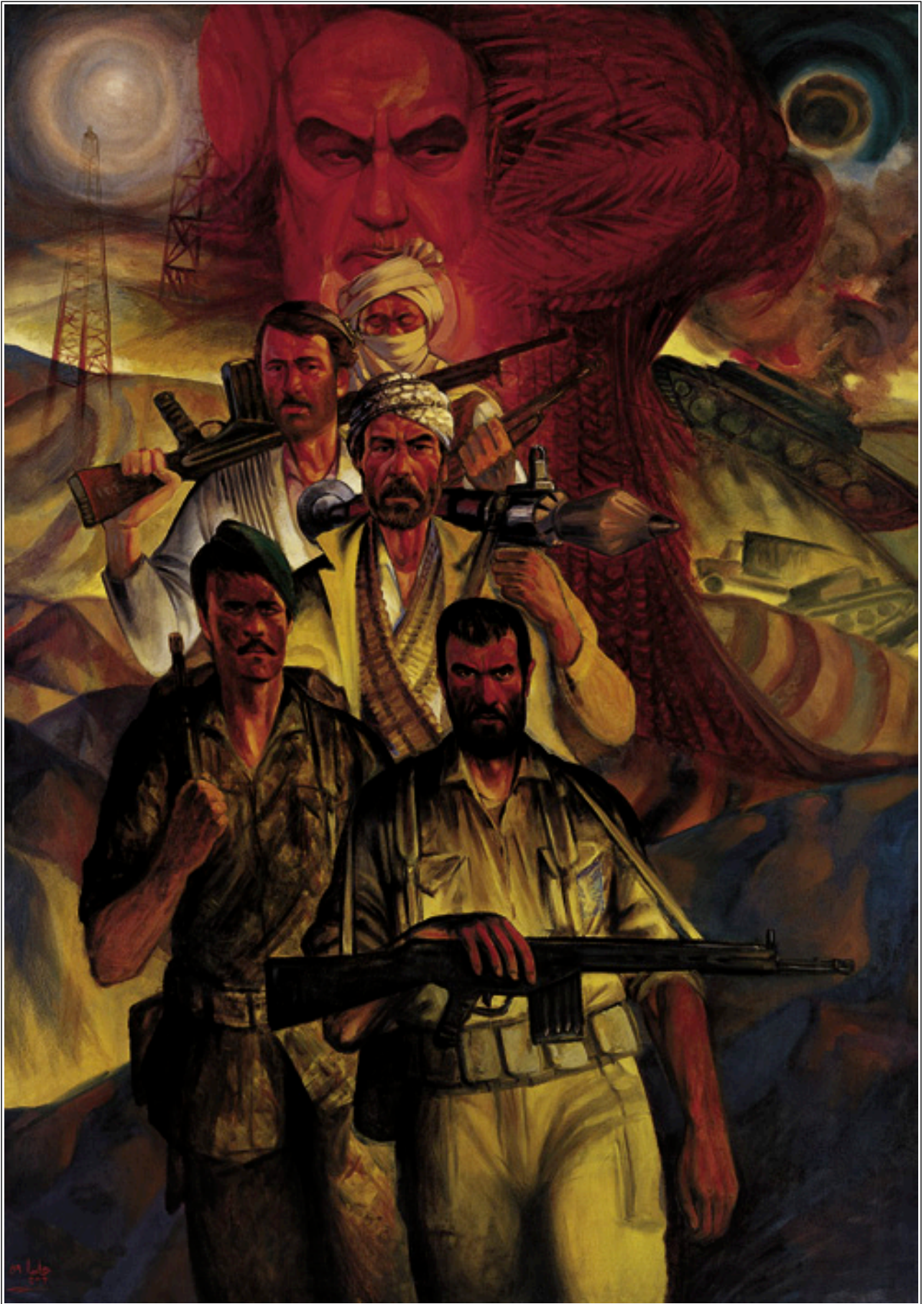
در تابلوهای چلیپا اتفاق خاصی نمی‌افتد. همه مضامین برگرفته از اتفاقاتی است که مدام با آن سرو کار داریم و یا مفاهیمی که با زندگی ما چندان عجین شده است که کمتر بدان می‌اندیشیم. با این حال نگاه چلیپا به این موضوعات، نگاه عادی و پیش پا افتاده و روزمره نیست. درنگ او در بعضی از اتفاقات و یا مفاهیمی که در بادی امر کاملاً معمولی می‌نمایند نشان می‌دهد که ما تا چه اندازه از پیرامون خویش غافلیم و تا چه اندازه نیاز به هنرمندانی همانند چلیپا داریم تا به ما یادآور شوند که در کنار ما چه چیزهایی در حال رخ دادن است، تابلوهای او دعوت به تفکر است. «بسجی» او در عین سادگی، آن قدر «خلاف آمد عادت» و تکان‌دهنده است که هر بیننده‌ای را همانند زنی که در گوشه کادر پرسشگرانه به او می‌نگرد، وامی‌دارد، تا با خود بیندیشد که او کیست؟ او در میان همه و غوغای شهر چه می‌کند؟ نگاه او به «نماز» هیچ ربطی به «عادت» روزمره ندارد، سعی او تصویر حقیقت عبادت است. در این تصویر دیگر عبادت انجام آدابی متکلفانه نیست که «تجربه حضور» تسن و خضوع و خشوع خالصانه در برابر حقیقتی است که همه آسمانیان و زمینیان به حمد و تسبیح او مشغولند. ای کاش می‌توانستیم همراه با کاظم چلیپا و از دریچه چشم‌های او نگاهی به پیرامون خویش بیفکنیم.



قمر بنی هاشم

Qamar Bani Hashem

رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۵۹ / ۱۵۰×۲۸۰ سانتی متر
Oil on canvas / 1980 / 280×150 cm



مرزبانان دشت شقایق | Plain margraves of anemone
رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۵۹ / ۱۷۰×۱۴۰ سانتی متر | Oil on canvas / 1980 / 240×170 cm

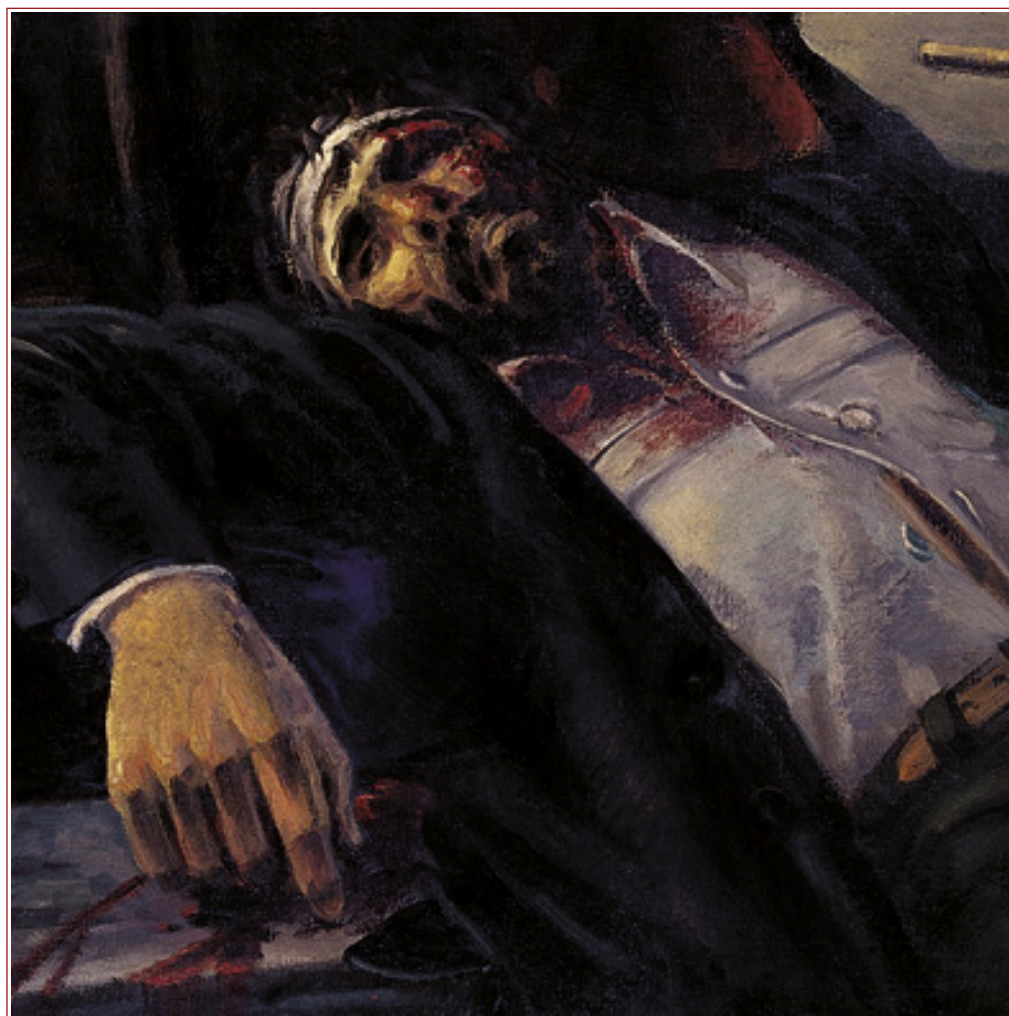


یقین

Certainty

رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۶۰ / ۱۰۰×۱۵۰ سانتی متر

Oil on canvas / 1981 / 150×100 cm

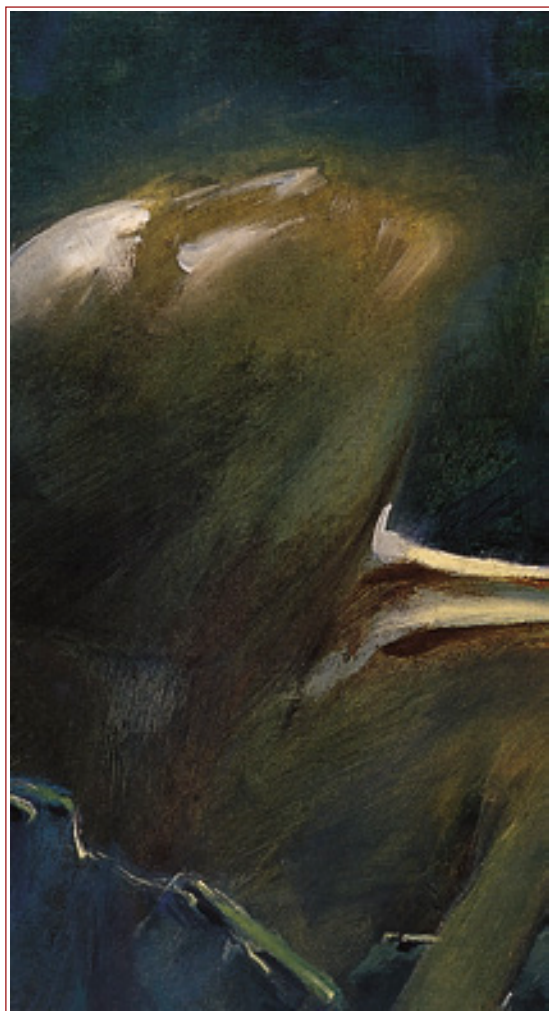


شهریور | Shahrivar
رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۵۹ / ۱۳۷ × ۸۰ سانتی متر | Oil on canvas / 1980 / 137 × 80 cm



ایثار Sacrifice

رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۶۰ / ۲۰۰×۳۰۰ سانتی متر Oil on canvas / 1981 / 300×200 cm



میلاَد (تولد دیگر) / **Another Birth**
رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۶۲ / ۸۰×۱۸۰ سانتی متر / *Oil on canvas / 1983 / 180×80 cm*



طلابه داران نور | Spearheaded by the light
رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۶۱ / ۱۲۰×۱۷۰ سانتی متر | Oil on canvas / 1982 / 170×120



مقاومت | Resistance
رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۶۲ / ۱۰۰×۱۲۰ سانتی متر | Oil on canvas / 1983 / 120×100 cm



روز بزرگ | Great Day

رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۶۳ / ۱۶۰×۱۱۵ سانتی متر | Oil on canvas / 1984 / 160×115 cm

مهدی غه‌رمانی ۱۳۶۳



موشهای سکه خوار | Coin Eater mice
رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۶۳ / ۲۵۰×۲۰۰ سانتی متر | Oil on canvas / 1984 / 250×200 cm



خون بر شمشیر پیروز است | Blood on the sword is victorious
رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۶۲ / ۱۶۰×۲۰۰ سانتی متر | Oil on canvas / 1983 / 200×160 cm



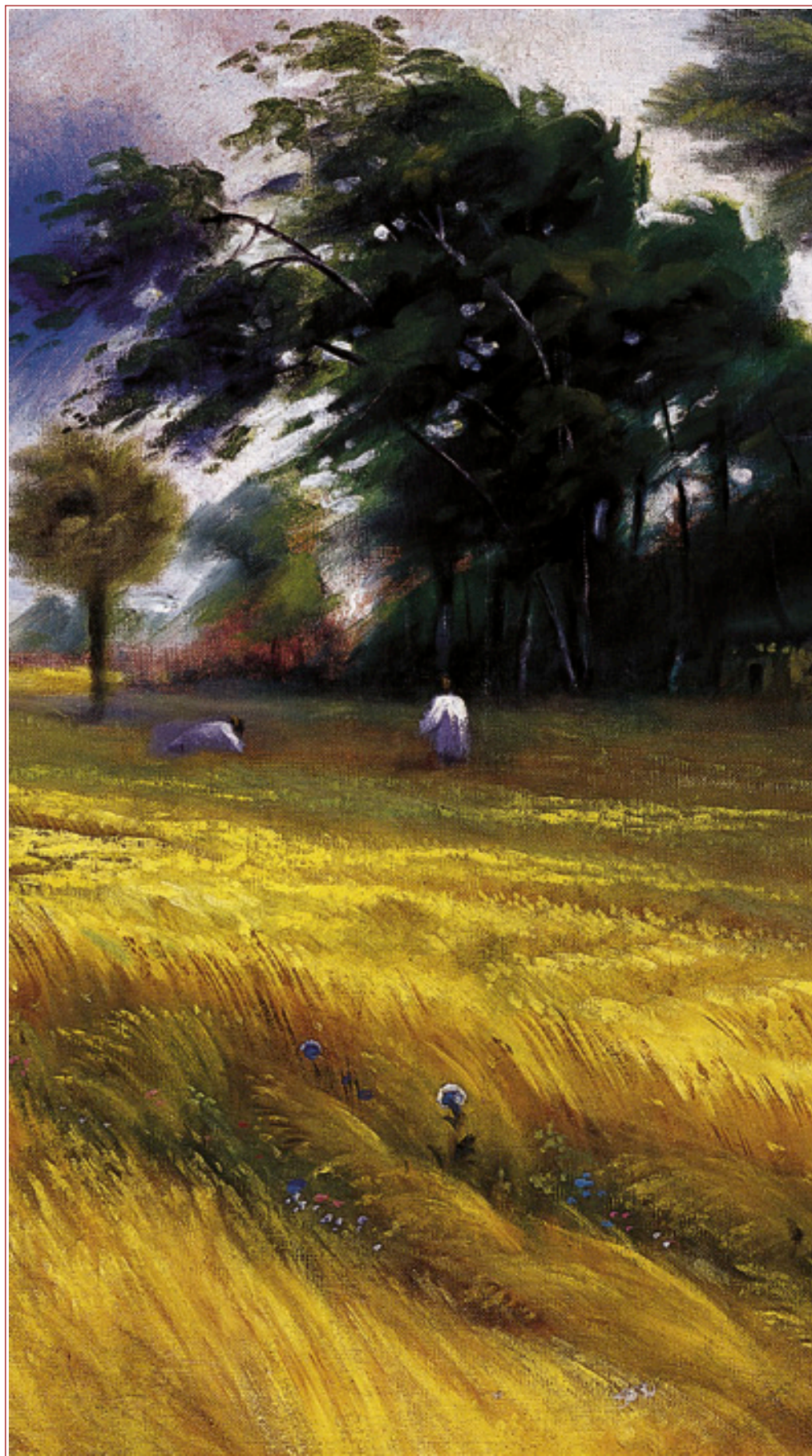
بسیجی | Basijy
رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۶۴ / ۱۸۰×۲۰۰ سانتی متر | Oil on canvas / 1985 / 200×180 cm



کوبر | Desert
رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۶۳ / ۱۳۰×۱۶۰ سانتی متر | Oil on canvas / 1984 / 160×130 cm



زندگی | Life
رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۶۵ / ۱۰۰×۱۴۰ سانتی متر | Oil on canvas / 1986 / 140×100 cm



□



صبح نقره‌ای | Silver Morning
رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۶۴ / ۶۰×۷۰ سانتی متر | Oil on canvas / 1985 / 70×60 cm



ذوالجناح Zol-janah

رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۶۴ / ۱۳۰×۱۶۰ سانتی متر Oil on canvas / 1985 / 160×130 cm



مهاجرین | Immigrants
 رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۶۵ / ۸۰×۱۸۰ سانتی متر | Oil on canvas / 1986 / 180×80 cm



ریشه در عشق | Rooted in love
 رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۶۵ / ۸۰×۲۰۰ سانتی متر | Oil on canvas / 1986 / 200×80 cm



مهدي غبادیپور

Influx

رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۶۵ / ۷۰×۱۲۰ سانتی متر Oil on canvas / 1986 / 120×70 cm



کل یوم عاشورا

رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۶۸ / ۱۴۷×۲۰۰ سانتی متر

All days is Ashura

Oil on canvas / 1989 / 200×147 cm



Hajj (Red allegiance) | حج (بیعت سرخ)
رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۶۷ / ۱۴۰×۱۷۰ سانتی متر | Oil on canvas / 1988 / 170×140 cm



Old Tehran 2
Oil on canvas / 1988 / 120×100 cm



تهران قدیم ۱
رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۶۷ / ۱۲۰×۱۰۰ سانتی متر

Old Tehran 3
Oil on canvas / 1988 / 120×110 cm



تهران قدیم ۳ | Old Tehran
رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۶۷ / ۱۱۰×۱۲۰ سانتی متر | Oil on canvas / 1988 / 120×100 cm

تهران قدیم ۲
رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۶۷ / ۱۰۰×۱۲۰ سانتی متر



رحلت امام | Demise of Imam
رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۶۸ / ۶۰×۷۰ سانتی متر | Oil on canvas / 1990 / 70×60





پروانه ها | Butterflies
رنگ پلاستیک روی بوم / ۱۳۶۸ / ۱۹۵×۱۹۵ سانتی متر | Plastic paint on canvas / 1989 / 195×195 cm



بسیجی Basijy
رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۷۰ / ۱۰۰x۷۰ سانتی متر Oil on canvas / 1991 / 70x100 cm



فی لبیک | Fife
رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۶۹ / ۶۰×۹۰ سانتی متر | Oil on canvas / 1990 / 90×60 cm

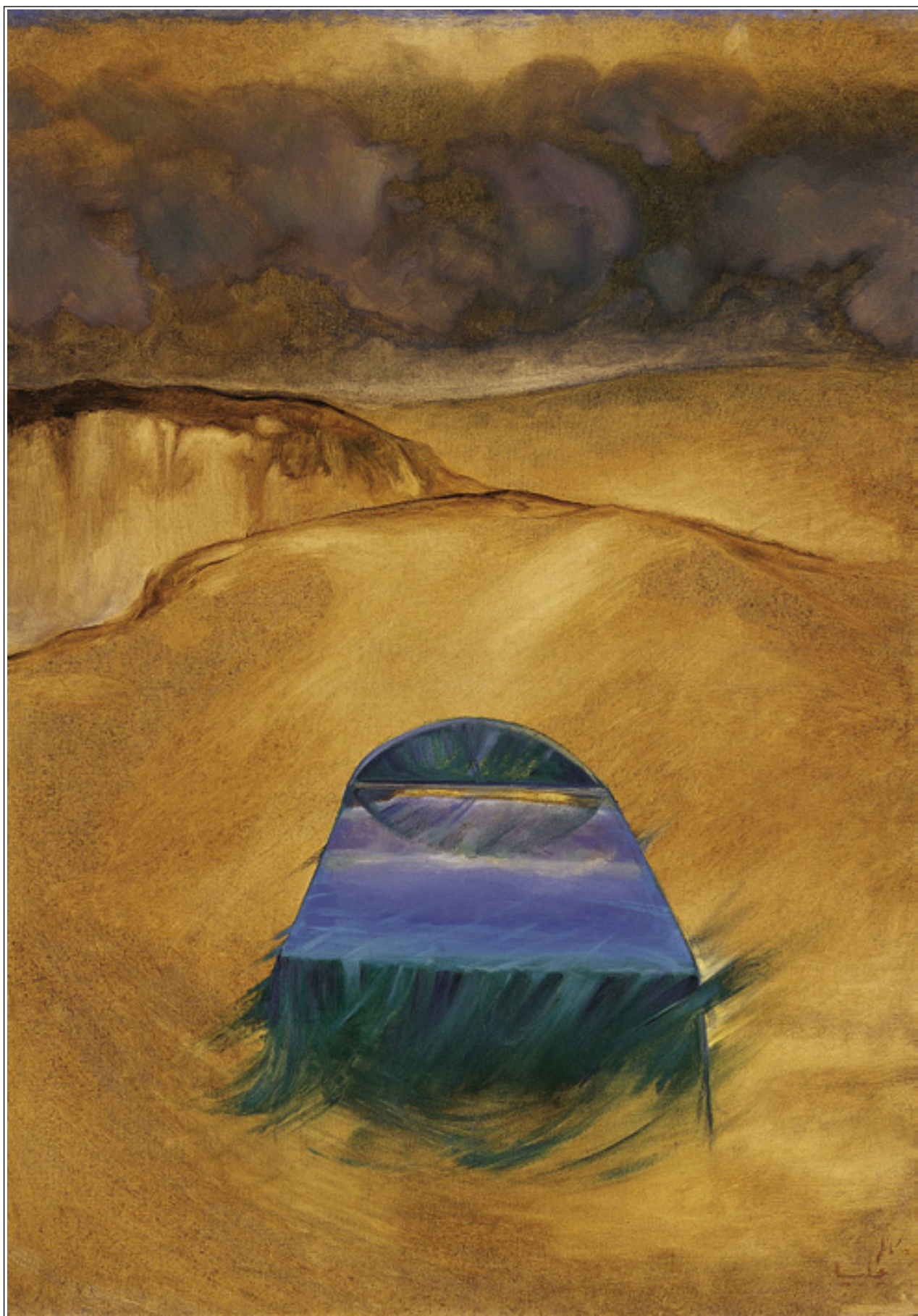




فلسطين | Palestine
رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۷۰ / ۱۰۰×۷۰ سانتی متر | Oil on canvas / 1991 / 70×100 cm



جمجمه بعد از جنگ | Skull after the war
رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۷۰ / ۱۰۰×۷۰ سانتی متر | Oil on canvas / 1991 / 70×100 cm



بستر | Bed
رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۷۰ / ۱۰۰×۷۰ سانتی متر | Oil on canvas / 1991 / 70×100 cm

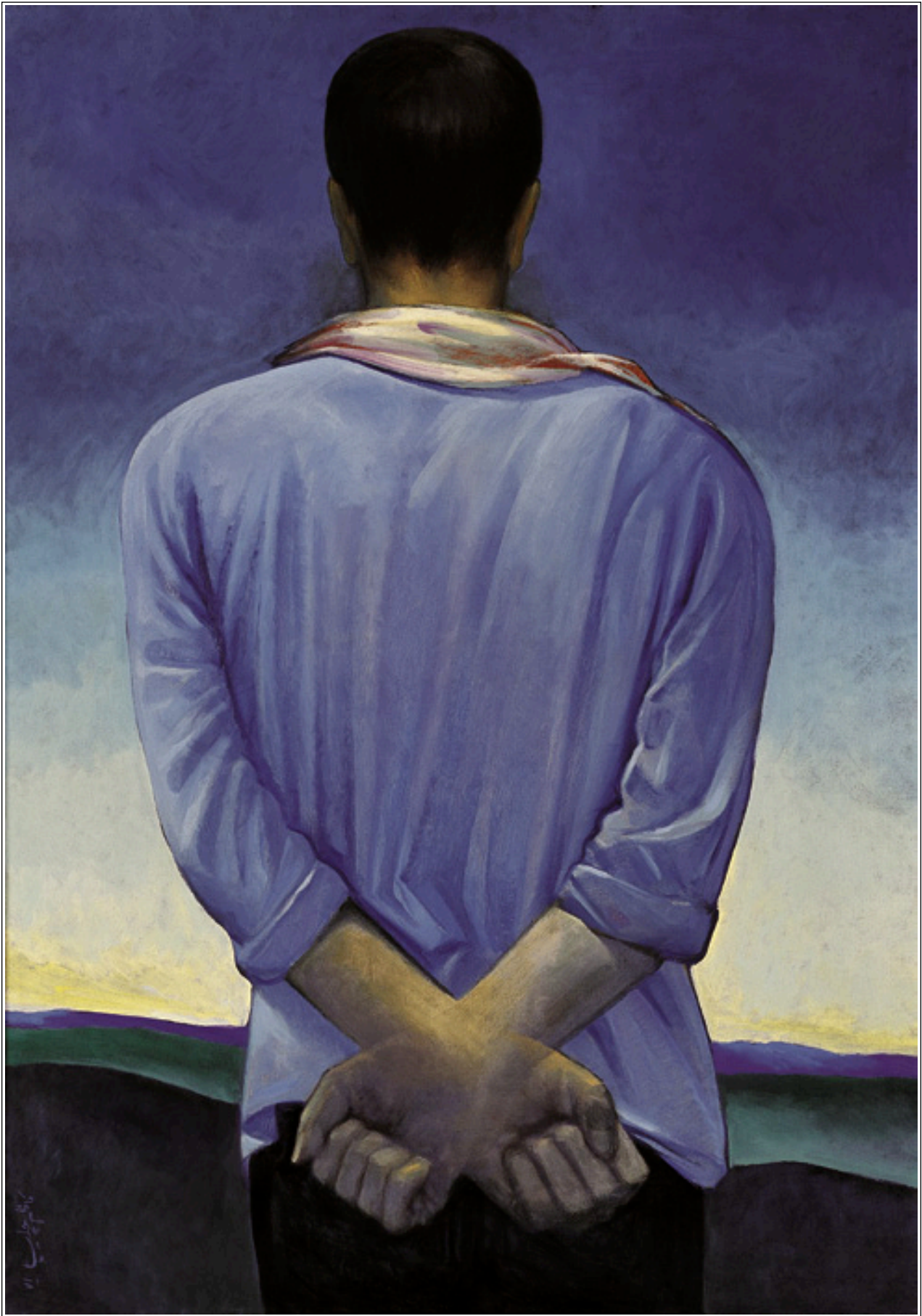


فلسطين ۱ | Palestine 1

رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۷۰ / ۱۰۰×۷۰ سانتی متر | Oil on canvas / 1991 / 70×100 cm



یاد | Remembrance
رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۶۹ / ۱۰۰×۷۰ سانتی متر | Oil on canvas / 1990 / 70×100 cm



آزاده | Azadeh
رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۷۱ / ۱۰۰x۷۰ سانتی متر | Oil on canvas / 1992 / 70x100 cm



اخلاص | Sincerity
رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۷۳ / ۱۴۰×۱۷۰ سانتی متر | Oil on canvas / ۱۷۰×۱۴۰ / ۱۹۹۳ cm



نماز جماعت | Prayer
 رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۳۳ / ۱۲۰×۱۲۰ سانتی متر | Oil on canvas / 1994 / 120×120 cm



نماز عید فطر | Official
 رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۳۳ / ۱۲۰×۱۶۰ سانتی متر | Oil on canvas / 1994 / 160×120 cm



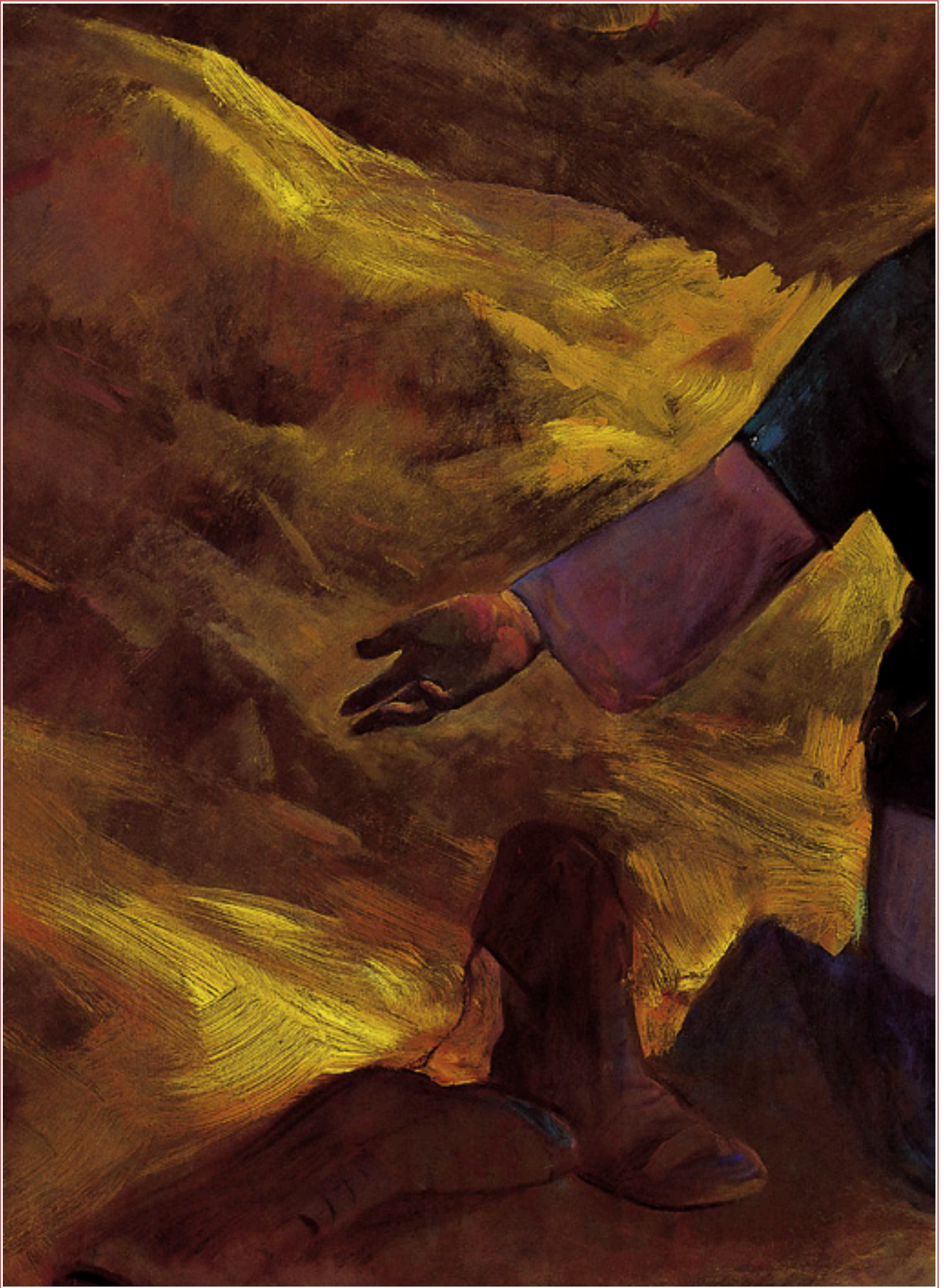
نماز | Prayer
رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۸۱ / ۱۶۰×۱۲۰ سانتی متر | Oil on canvas / 2002 / 160×120 cm



انتظار سبز | Green expect
رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۷۵ / ۱۴۰×۱۲۰ سانتی متر | Oil on canvas / 1996 / 140×120 cm



خر Hor
رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۷۵ / ۱۷۰ × ۱۴۰ سانتی متر Oil on canvas / 1996 / 170 × 140 cm





دیدار Meeting

رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۷۴ / ۱۵۰×۲۰۰ سانتی متر Oil on canvas / 1995 / 200×150 cm





عاشورا

Ashura

رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۸۰ / ۱۰۰×۱۵۰ سانتی متر

Oil on canvas / 2001 / 150×100 cm



عاشورا Ashura

رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۸۰ / ۱۰۰×۱۵۰ سانتی متر Oil on canvas / 2001 / 150×100 cm



عاشورا

Ashura

رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۸۰ / ۱۵۰×۱۰۰ سانتی متر

Oil on canvas / 2001 / 150×100 cm



عاشورا

Ashura

رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۸۰ / ۱۰۰×۱۵۰ سانتی متر

Oil on canvas / 2001 / 150×100 cm



عاشورا

Ashura

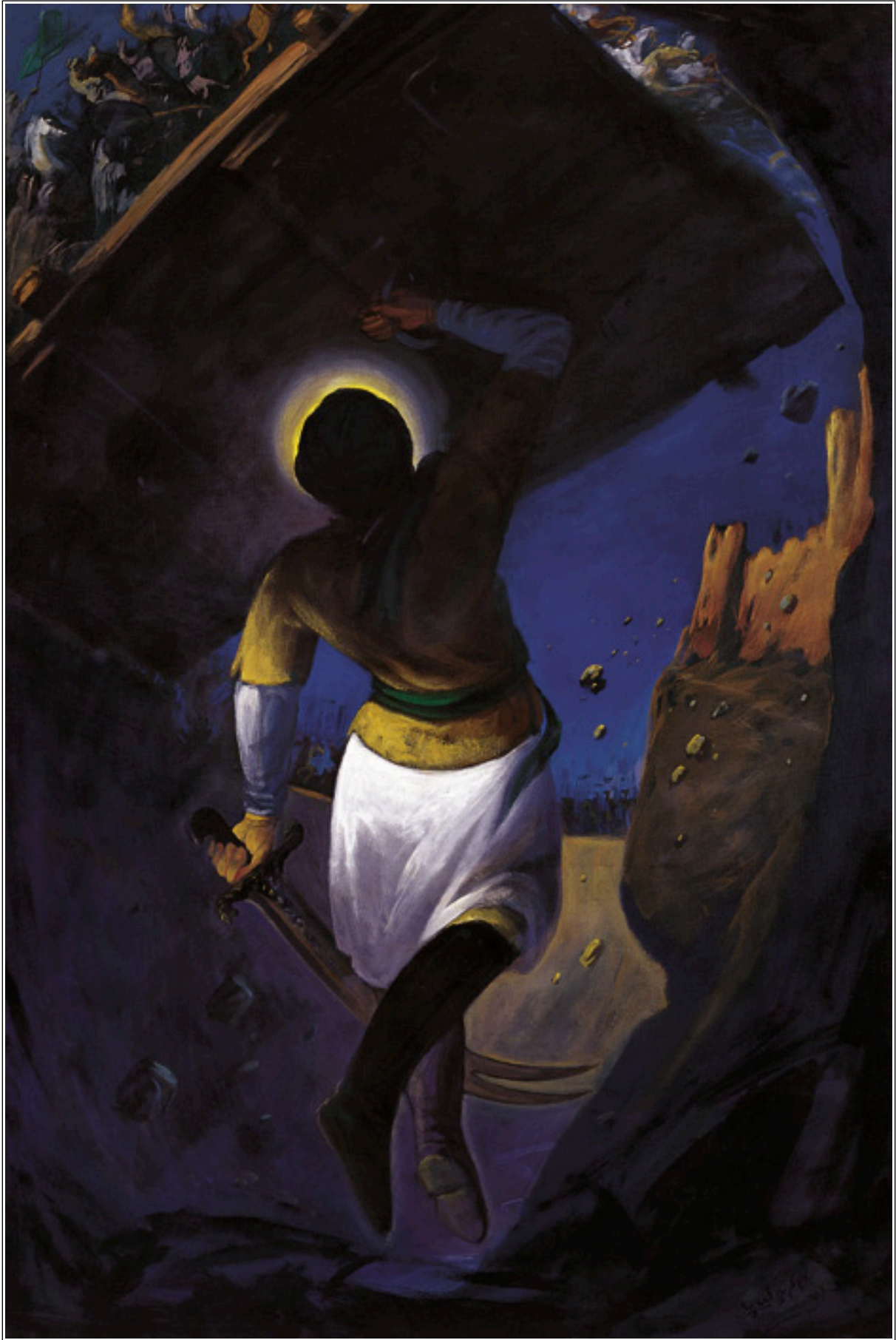
رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۸۰ / ۱۵۰×۱۰۰ سانتی متر / حج و زیارت

Oil on canvas / 2001 / 150×100 cm / Hajj 'Va zyarat



بدون عنوان | Untitled

رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۸۰ / ۱۰۰×۱۵۰ سانتی متر / موزه امام علی (ع) | Oil on canvas / 2001 / 150×100 cm / Imam Ali Museum



بدون عنوان | Untitled
رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۸۰ / ۱۵۰×۱۰۰ سانتی متر / موزه امام علی (ع) | Oil on canvas / 2001 / 150×100 cm / Imam Ali Museum



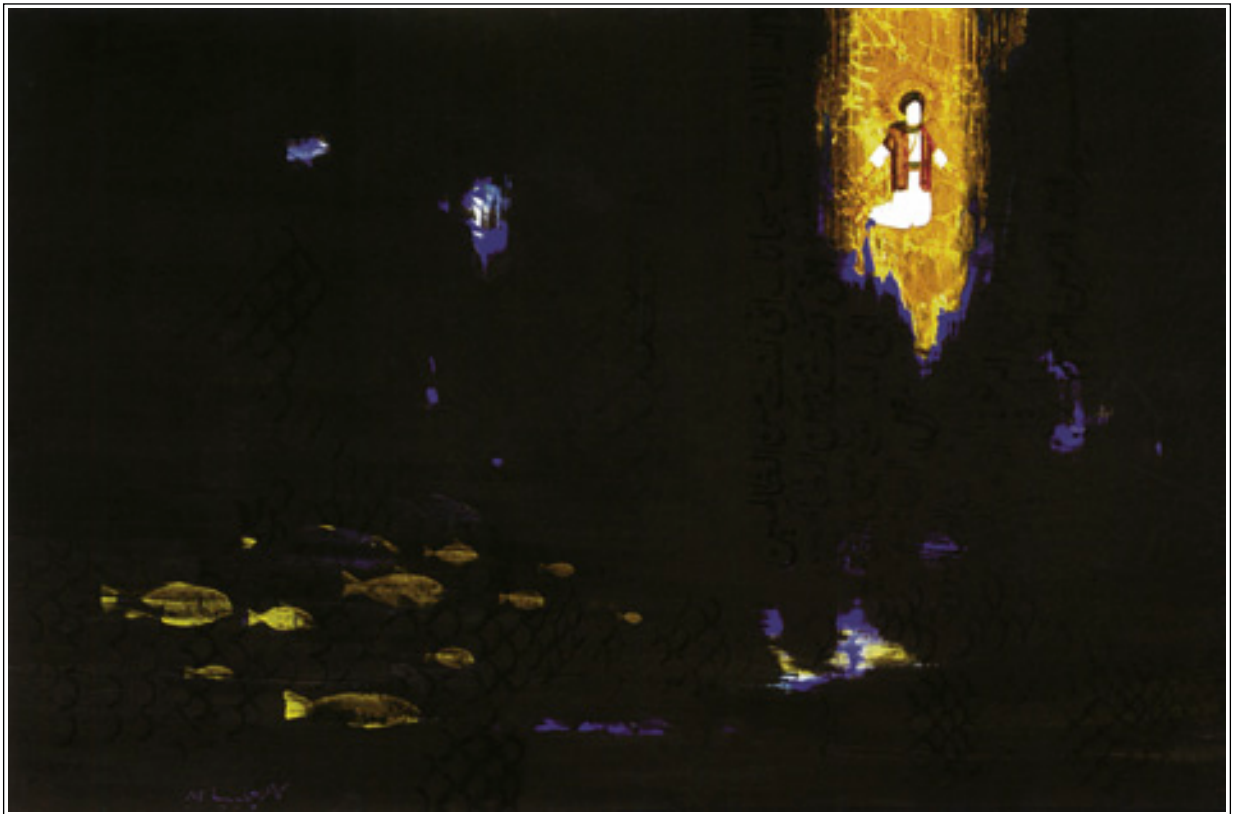
بدون عنوان | Untitled
رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۸۰ / ۱۲۰×۸۰ سانتی متر / موزه امام علی (ع) | Oil on canvas / 2001 / 80×120 cm / Imam Ali Museum



بدون عنوان | Untitled
رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۸۰ / ۱۲۰×۸۰ سانتی متر / موزه امام علی (ع) | Oil on canvas / 2001 / 80×120 cm / Imam Ali Museum



بدون عنوان | Untitled
رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۸۰ / ۱۲۰×۸۰ سانتی متر / موزه امام علی (ع) | Oil on canvas / 2001 / 80×120 cm / Imam Ali Museum



موزه قرآن | Quran Museum





امام علی (ع) | Imam Ali
ترکیب مواد روی بوم / ۱۳۸۰ / ۹۰×۹۰ سانتی متر | *Mix media on canvas / 2001 / 90×90 cm*



بدون عنوان | Untitled

رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۸۱ / ۸۰×۱۲۰ سانتی متر | Oil on canvas / 2002 / 120×80 cm



دانایی Knowledge
اکریلیک روی بوم / ۱۳۹۹ / ۷۰×۷۰ سانتی متر Acrylic on canvas / 2000 / 70×70 cm

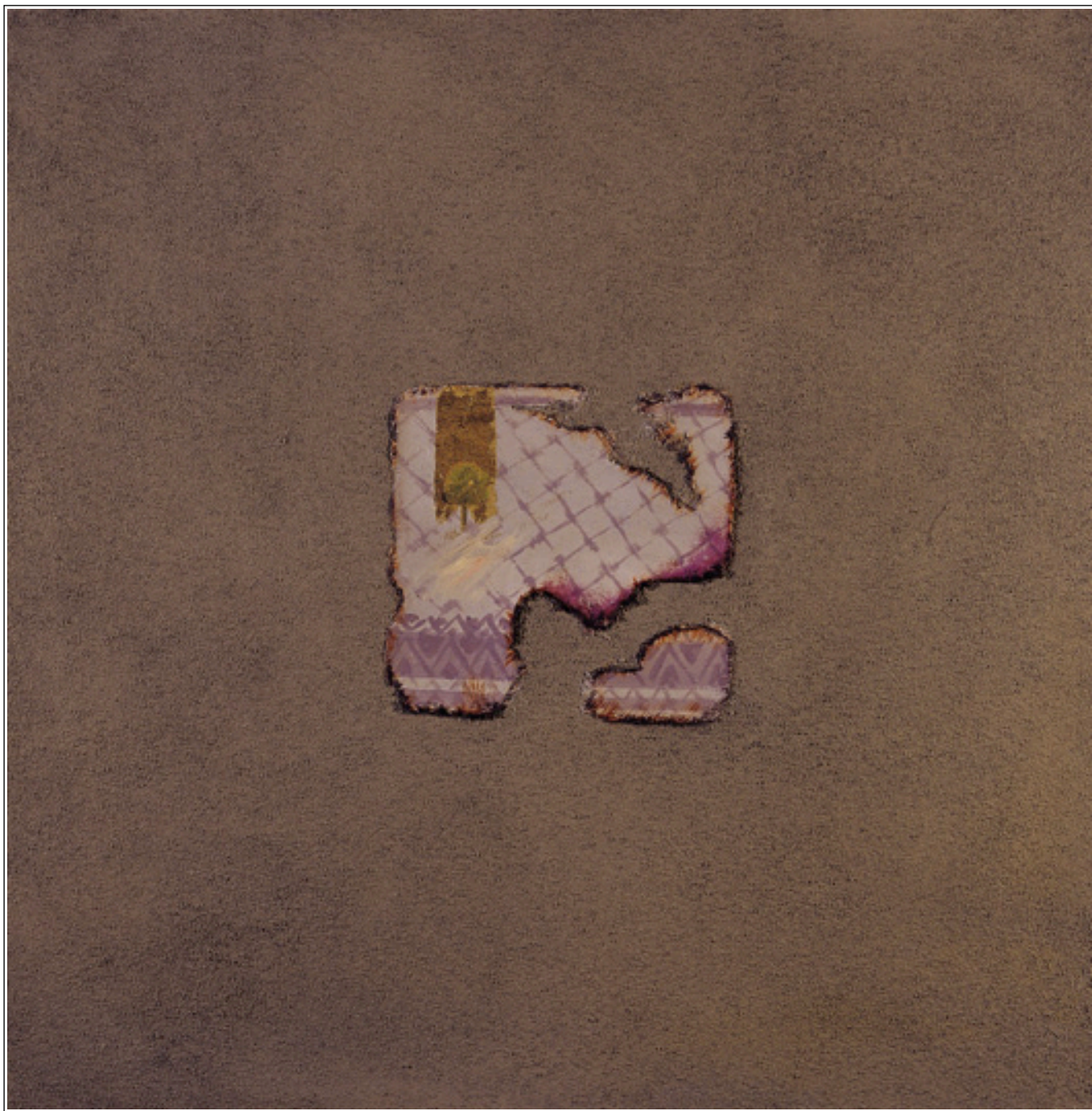


فلسطين | Palestine

ترکیب مواد روی بوم / ۱۳۸۳ / ۱۰۰۰×۷۰ سانتی متر | *Mix media on canvas / 2004 / 70×100 cm*



راه آسمان | Sky Way
اکریلیک روی بوم / ۱۳۸۰ / ۸۰×۱۲۰ سانتی متر | Acrylic on canvas / 2001 / 120×80 cm



فلسطين | Palestine
ترکیب مواد روی بوم / ۱۳۸۳ / ۸۰×۸۰ سانتی متر | *Mix media on canvas / 2004 / 80×80 cm*



فلسطين | Palestine
ترکیب مواد روی بوم / ۱۳۸۳ / ۱۰۰×۷۰ سانتی متر | *Mix media on canvas / 2004 / 70×100 cm*



فلسطين | Palestine
رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۸۳ / ۸۰×۸۰ سانتی متر | Oil on canvas / 2004 / 80×80 cm



قدس | Quds
رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۸۳ / ۸۰×۸۰ سانتی متر | Oil on canvas / 2004 / 80×80 cm





بدون عنوان | Untitled
ترکیب مواد روی بوم / ۱۳۸۱ / فرهنگستان هنر | *Mix media on canvas / 2002 / Academy of Arts*



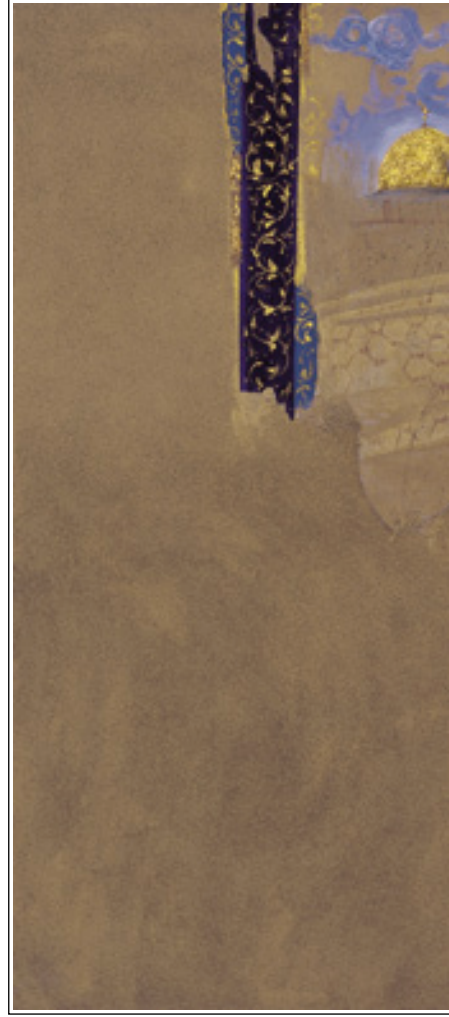
بدون عنوان | Untitled

ترکیب مواد روی بوم / ۱۳۸۱ / ۶۰×۸۰ سانتی متر / موسسه توسعه هنرهای تجسمی معاصر | *Mix media on canvas / 2002 / 80×60 cm / Institute of Contemporary Visual Arts Development*



Quds
Mix media on canvas / 2002 / 120×140 cm

بدون عنوان | **Untitled**
Mix media on canvas / 2002 / 140×140 cm
ترکیب مواد روی بوم / ۱۳۸۱ / ۱۴۰×۱۴۰ سانتی متر



بدون عنوان | Untitled
ترکیب مواد روی بوم / ۱۳۸۱ / ۱۴۰×۱۴۰ سانتی متر | *Mix media on canvas / 2002 / 140×140 cm*

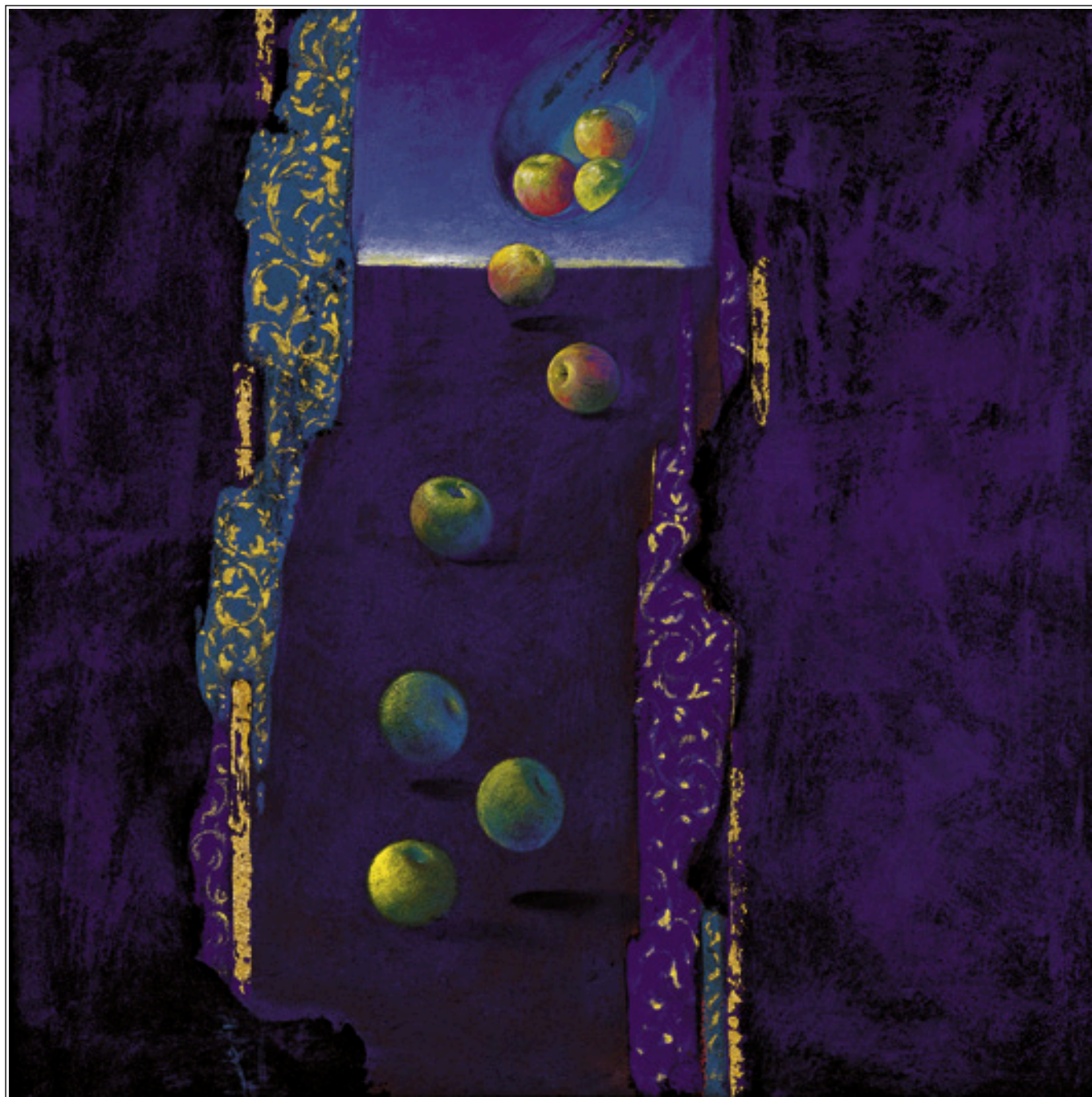
قدس
ترکیب مواد روی بوم / ۱۳۸۱ / ۱۴۰×۱۲۰ سانتی متر



یا ضامن آهو | who rescue the Deer
رنگ و روغن روی بوم / ۱۳۷۸ / ۱۰۰×۷۰ / موزه هنرهای معاصر | Oil on canvas / 2000 / 70×100 cm / Museum of Contemporary

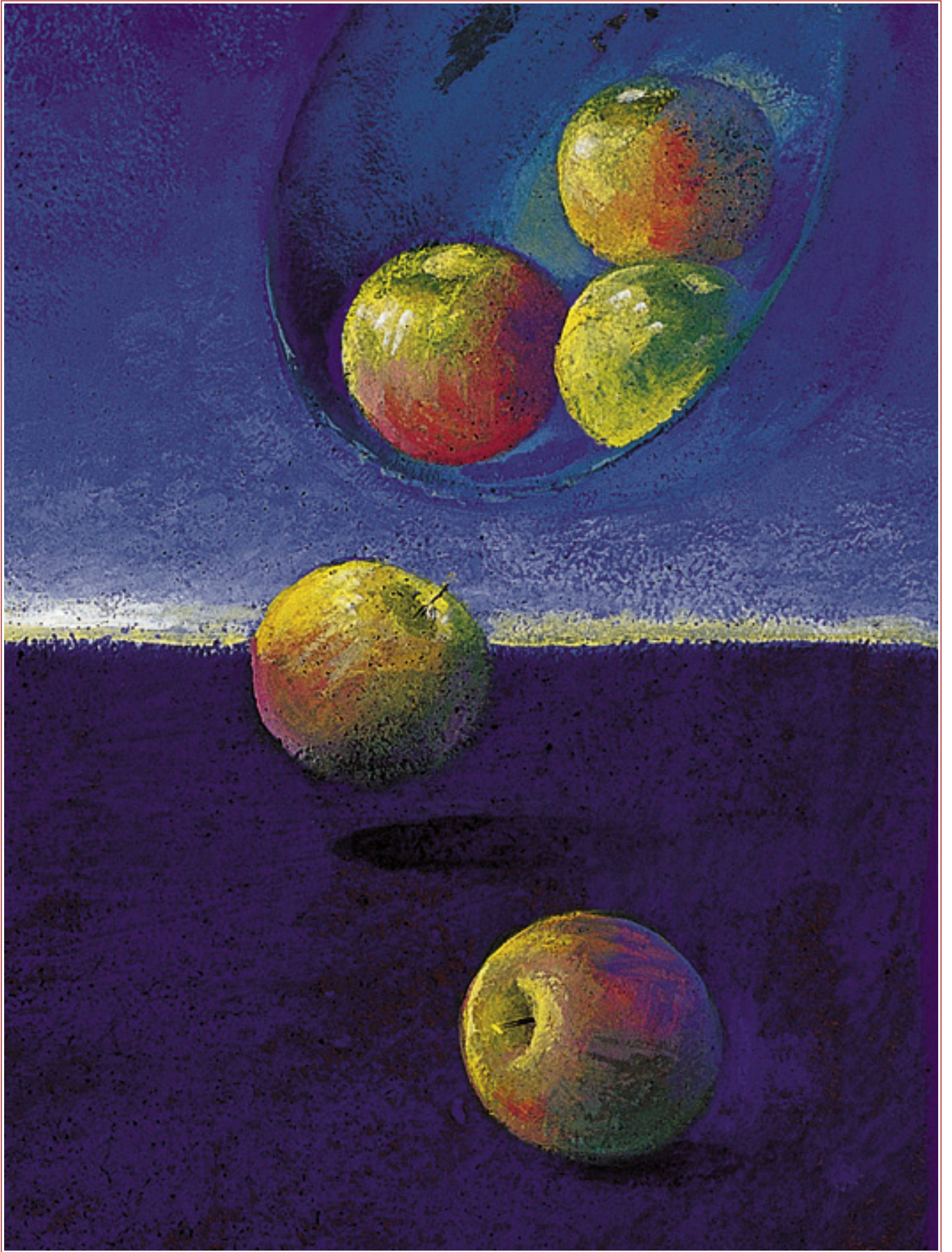


عاشورا Ashura
ترکیب مواد روی بوم / ۱۳۸۵ / ۱۲۰×۱۰۰ سانتی متر Mix media on canvas / 2006 / 120×100 cm



بدون عنوان | Untitled

ترکیب مواد روی بوم / ۱۰۰×۱۰۰ سانتی متر / موسسه توسعه هنرهای تجسمی معاصر | *Mix media on canvas / 100×100 cm / Institute of Contemporary Visual Arts Development*





□ Mix media on canvas

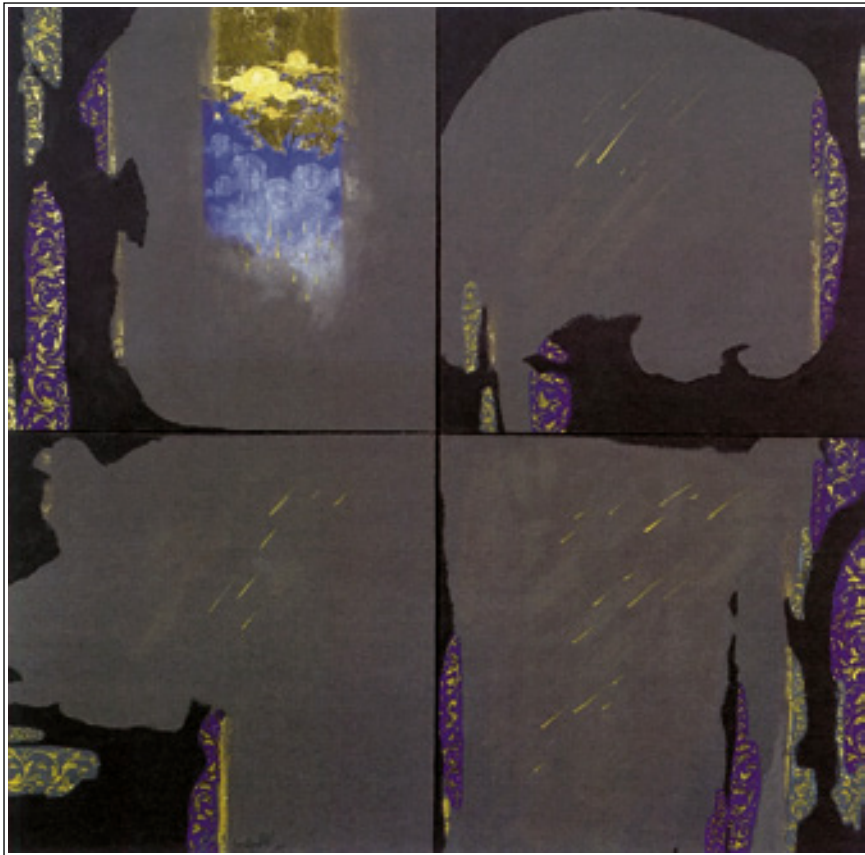


عاشورا Ashura

ترکیب مواد روی بوم / ۱۳۸۳ / ۱۲۰×۱۲۰ سانتی متر
Mix media on canvas / 2004 / 120×120 cm



موزه صبا | Saba Museum



موزه پاسارگاد | Pasargadae Museum



who has got some belief in merits and demerits perceive the world as the scene of quarrel between goodness and guilt, light and perplexity, brightness and dark, angel and evil and inevitably know that they are involved in stratism and dogmatism, perceive themselves true realization of merit and tenderness and the others as the hell of the merit and guilt. But the artists word is another thing. Through his sight whoever belongs to love trive is in the corps of benevolent which: love's religion is of light contrast to superficial ones. The signboard "Green waiting'Enterzaare sabz" has dealt with the issue as much that it is perceived and shows painters persistency in making the addressees comprehend the adventures.

The challenge is not for trivial stuff, whoever wons a share in worship, is in the waiting age of all the nations promised and whoever worships the eternal reality, and tells: (... he knows every thing the best). Worships, whether he knows or not: you would better stop asking me the rightness of my path; I was in love, adoring what i exposed to.

Close gaze upon chalipa's signboards is as studies over works and affairs of reality and truth way pavers. Although, he got his way much early but was never as much content. The conceptions which seemed much simple and rudimentary carved on canvas got great depth day by day as if through time passage, the signboards like kazem chalipa's sole were polished and got superior purity and clearness.

In chalipa's signboards no striking event happens, all meanings are attained from frequent happenings or meanings not much acquainted with our lives. Meanwhile the sight of calipa to these issue was not a simple valueless thing, his patience in some events and cognitions which seemed much more apparently shows the extents of our forgetfulness to the periphery and how much the need for chalipa like artists if felt and to reminds as what is going on and is supposed to around us while we ignore. His signboards are invitation to thinking. His "Basiji" signboard while simplicity is as much in contrary with norms which forces to thinking who he mighte be? Regarding whatever audiences like a lady who is keeping a questioning look and what does he do through all these disturbances and riots? His look upon "Prayer" has nothing to do with "habits" in a normal sensel His effort is toput into picture the truthfulness of worship. In his picture of worship there is no force and obligation. That is visible in "verbal experience" and shows submit and pure acceptance against a reality to which all heavens and people submit and worship.

We wish to reserve a chance to take a look upon our periphery through Kazem Chalipa's perspective accompanying him.

He inherited from his dad loving heavens who in assembled modernism hey days of hometown and storm founded from west predated privacy for his wandering heart and to the name of heavens of love and reality pictured lovers permanent believes of this miraculous ground. Revolution and war were resurrection for dad believes. What the sun pictured on cafe curtains from dad witnessed by his eyes: a magnificence visible in the face of heavenly men on cafe curtains, realized in the faces, have in superior certainly, shaper than steel welcomed death and misery and tediousness apparent in the face of corps of blasphemy got reality in an armed to teeth enemy's hostility as if you would say cafe's curtains got life again. The joint of myth and reality, the turn for son arrived to approve his real sense but referring to "live in your time" this time corps of blasphemy appeared in the form of "Waging mice" and good wills, those who did not leave alone their intention on "The great day".

persistency and purity are two categories in contrast, while revolutionary heydays and anger, life tenderness and beauties were covered specially those who are fallen in love to the heavens are rooted in the revolution and quoted from witnessed regrettable event of Karbala in his presence slaughters his brtothers and cousins and uncles heard " We see nothing but beauty " can not ignore beauty. Worshipers of great creator perceive nothing but beauty. "Kavir" and "Insistency" are signs for internal purity of the painter who did not skip tenderness and beauty where just fire and blood are present.

Revolutionary painter arose from people and knows that revolution was not attained by nonsense mottos and not with living in pleasure and castles, they were low class, poor people seeking historical justice realization aimed for guarding, but they had endured 8 years of imbalanced imposed war where revolutionary artists pointed to persistency and revolution did not skip poor and lower class people in the back ground of the tasks related to war and revolution small mud houses with th face of a rural women and a farmer man to witness to the history that how imperialism and castle dwellers were fed and whose pains had made up their residence and castles.

War through the sight of overtly resistant ones has got a timed initiation and ending. But those who see the world as challenge between the merits and do not have any believes for the starting and ending of the war and until the time that the life currents on the earth and humanity continues living.

What happened in Karbala event was not just a historical fictive happening but a symbol for the entire world and because of this it is said: "All days are Ashoora and all the ground karbala. "Imam and Ashoora", "Hor", "Zol-Janaah " and so forth are the products of such a book. Although after 8 years long imposed war of Iran-Iraq all the traffic signs whether formal or informal invites metropolis residents to the other destination but loving painter has got a different promise and swear to the beloved.

"The loving connection to my chap drags me where he intends" Most of those

Every artwork indicates artist's perception of reality. A spiritual art which gives life to soul and keeps it enriched, is a sign of internal blooming and manifestation of the spirit, may never be realized except getting effect on spiritual eras. An artist work which indeed gives meaning to religious thought as manifestation of spiritual universe is exposed not in the presentation of stuff, but in discovering and visiting them.

In the periods of human perplexity and in the age of truth strangeness and in the meanwhile dispersed humanity world if through an unbiased eye a look is cast upon "Blood against Sword", "Kavir" and "Silver Morning" by Kazem Chalipa (three symbolic paintings) purity of the spirit and miracle and internal painter relation to the realities and affairs would doubtless be observed.

Ruskin cited: "Great nations present their biographies in three books: deeds book, words book and the book of their own art. None of these three can be fully perceived without taking all into account but among those three just the ultimate one deserves depending on".

In case some one intends to find out the spirit of a great nation in a stormy decade, shall attend to the artists' works of the time. Kazem Chalipa's paintings are inevitably one of the mirrors which show at least some part of the history and fate of a great nation in the contemporary age. It is from the greatest and well-known painters of the challenging contemporary era.

He neither submitted to marvelousstriking appearance of modern art and perplexity of true lovers nor just limited his art to museums finites. His paintings are fertility of believes and thoughts, anger and the people's affection whose traditions were drawn and pictured by Chalipa's boyalty.

Art shall be in connection with thought mixed with truth and related to the source; departing point and destination of world and human being. All in all, art is anyhow committed. Freedom from commitment - as some perceive - is just a dream. If art realizes from commitment related to the truth and truthfulness, it would mirror self and ego. As in the areas of humanism whatever art which gets life ends in egotism and heaven and the earth for an artist disconnected from reality leads to the thought and dream which ultimately refers back to its principle.

Accordingly, much of the artists who had been committed to a religious revolution and loyal to the premise and trust, as Kazem Chalipa who is the realization of committment to promis and eternal swear and convenient, witnessed innately by all the world and human beings. Chalipa's paintings are presentations of "whole-hearted revolution" and "i verbal experience" of truth.

Normally, for getting to where they already locate now, the artists shall pave a long way they commence through attaining lessons from the artists who are a true realization of their works, experience various experiences, get dictations from others so as to, little by little find out their way, this cometimes is attained much late and some other times never. Those who are looking forward to a new path, still waiting, pass by regarding it yet. Kazem Calipa managed to find his way early and from the way he selected at youth he persistently has continued to this day.

Undoubtedly and even temptations by a new experience as if he believes in the way and nothing is more important than paving it despite all the limitations.



Kazem Chelipa / Born in 1957 –Tehran

- ▲ A Doctorate of Art Research, Shahed University
- ▲ Master's in painting, "Tarbiyat Modarres" University, Iran
- ▲ Bachelor's degree in painting, Tehran University, Iran
- ▲ A university lecturer in fine arts, Tehran University
- ▲ A university lecturer in art, Shahed University
- ▲ A lecturer in Soore University
- ▲ The manager of the painters group in the center of visual arts, since year 1989&2003
- ▲ A member of the council of publishing Imam Khomeini's works, on the centennial of Imam Khomeini's birth
- ▲ An honor member of the Azerbaijan Painters Society (Baku)

- **Participation in foreign exhibitions:** London, Birmingham, Holland, Syria, Lebanon, Germany, China, Baku, the union of painters in the "Bolbolef" Gallery 1995, Toronto;
- **Domestic exhibitions:** Victory of The Islamic Revolution – Rasht (1978 & 1979), Victory of The Islamic Revolution – Tehran (1978 & 1979), Victory of The Islamic Revolution – The House of Arts (1980), Victory of The Islamic Revolution – The Islamic Parliament (1980 – 1981), Holy Defense – The museum of contemporary arts (1982), the anniversary of Holy Defense – The "Shohada"(Martyrs') Museum (1983), The Anniversary of Holy Defense – the museum of contemporary arts (1984), The Anniversary of Holy Defense – The House of Arts (1985), Women and Holy Defense – the museum of contemporary arts (1986), The Anniversary of Holy Defense – "Vehdat" Hall (1987), Tehran Biennial - the museum of contemporary arts (1988), Portraits in the works of painters - the museum of contemporary arts (1990), The Biennial of Iranian Painting (1991), Japan's Exhibition/ Fine Arts (1992), The Biennial (of Palestine) - the museum of contemporary arts (1993), Pakistan (1994), Design exhibition – Holland (1994), Syria (1995), Baku union of painters – "Bolbolef" Gallery (1995), The "Imam an Ashura" exhibition – The "Hajj and Zeyarat" Gallery (1995), "Ashura" exhibition – "Khaneye Soore" (1996), "Iranian Art" Exhibition – London (1998 and 1999), "Iranian Art" Exhibition – Switzerland (1998 and 1999), the museum of contemporary arts (1993, 1995 and 1997)

Domains of specialty in art: Painting (painter and designer)

- First place in the international exhibition of fine arts – Japan/ year 1992
- Winner of the "Golden Imam Khomeini's Handwriting" certificate, as an honoring of the artists of Holy Defense
- Winner of the "Golden Paintbrush" / a special award
- Honor diploma

IN THE NAME OF
GOD

عنوان انگلیسی کتاب در اینجا می آید